

موضوع بحث: نقش پردازش در کاربرد صحیح زبان

در ادامهٔ مباحث مطرح شده در جلسهٔ قبل، به مبحث پردازش یا نرمال‌سازی در متن می‌رسیم. این اصطلاح زمانی به کار می‌رود که متن ما از نظر نگارش و ویرایش به اتمام رسیده باشد و نویسنده بخواهد نوشتهٔ خود را برای چاپ یا رؤیت خوانندگان برساند.

ضرورت آشنایی با بحث حاضر از آنجا نشئت می‌گیرد که اولاً افزایش کاربردهای زبان فارسی و صورت‌های نوشتاری آن موجب بروز چالش‌های جدیدی در حوزهٔ پردازش متون شده است. ثانیاً زبان فارسی زبانی است که هم اکنون در کشورهای دیگری به غیر از ایران، مانند تاجیکستان، افغانستان و ... رایج است و بسیاری به آن زبان یا می‌نویسند یا گفتگو می‌کنند.

یکی از این چالش‌ها مشکل تشخیص کلمات ساده از مرکب و به خصوص کلمات چندقسمتی است که از عدم توجه به فاصله و نیم‌فاصله در نوشتن ناشی می‌گردد. اکثر کاربران زبان فارسی به فاصله‌گذاری‌های توجه نمی‌کنند و همچنین آشنایی دقیقی با قواعد و اصول نوشتن کلمات چندقسمتی وجود ندارند؛ این مسئله باعث بروز مشکلات متعدد در درک معنی متن می‌شود.

به عنوان مثال: عبارت (دست به سر کردن) در کل یک واژهٔ کنایی است که یک معنی را به خواننده انتقال می‌دهد، ولی عدم رعایت نیم‌فاصله در نوشتن آن سبب می‌شود که تصوّر کنیم (دست نقش مفعول/ به حرف اضافه/ سر متمام است) اما رعایت نیم‌فاصله (دست‌به‌سر کردن) این مشکل را بر طرف می‌سازد.

بنابراین واژه در زبان فارسی به دو معنی مجزاً به کار می‌رود:

الف) لفظی که از یک یا چند جزء معنیدار ساخته شده باشد و از لحاظ دستوری به یکی از مقوله‌های اسم، ضمیر، صفت، قید، فعل یا حرف تعلق داشته باشد. چنین لفظی از نظر ساختمان ممکن است بسیط (ساده)، مشتق، مرکب یا مشتق مرکب باشد مانند: دام/ دامی/ دامدار/ دامداری.

ب) لفظی که دست کم در یکی از رشته‌های علمی و فنی و حرفه‌ای دارای تعریفی مشخص باشد هم یک واژه به حساب می‌آید و نباید درون آن به تعیین نقش دستوری پرداخت مانند: دست‌به‌کار شدن.

موضوع مهم دیگر در این خصوص، استفادهٔ درست از **شیوه‌های واژه‌گزینی** است. بر اساس اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، برای یک مفهوم به کمک یکی از چهار روش زیر می‌توان واژه انتخاب کرد:

۱- برگزینش: که عبارت از انتخاب یک واژه یا عبارت از میان واژه‌ها و عبارت‌های موجود در زبان. زبانی با قدمت و پیشینهٔ زبان فارسی بدون شک از گسترهٔ واژگانی وسیعی برخوردار است و علاوه بر واژه‌های متداول مأنوسی که هم‌اکنون به کار می‌بریم، واژه‌های بسیاری نیز وجود دارد که تداول عام ندارد، اما درون زبان فارسی زنده است و اغلب در بین دانش‌آموختگان کاربرد دارد.

نخستین کاری که در پردازش یک متن می‌توانیم انجام دهیم آن است که از امکانات برگزینی واژگان در آن به بهترین و مناسب‌ترین وجه استفاده کنیم. بسیاری از معادل‌هایی که در حوزه‌های مختلف علوم به کار می‌روند از این جمله هستند.

به عنوان نمونه کاربرد واژه پرتو به جای بازتاب نور در علوم اول ابتدایی سبب تأخیر فهم دانش‌آموز در درک معنی می‌گردد. یا کاربرد واژه آذرخش به جای رعد و برق در سال‌های نخستین مدرسه تداول چندانی ندارد.

۲- نوگزینی: انتخاب یک واژه موجود در زبان و دادن مفهومی نو به آن به طوری که با مفهوم اولیه خود بی‌ارتباط نباشد.

نوگزینی در واقع گسترش معنایی آگاهی‌بخش است که امروزه یکی از رایج‌ترین شیوه‌های نرمال و هماهنگ‌سازی زبان با نیازهای جدید گویندگان آن است.

در گسترش معنایی، معنی پیشین واژه حفظ می‌شود، ولی معنی جدیدی هم بر آن واژه افزوده می‌گردد؛ مانند واژه‌های "مجلس"، "سپر"، "پیچ" و "یخچال" که افزون بر معنای قدیم در معنای جدید هم کاربرد دارند. این شیوه از پردازش زمانی آشکارتر می‌گردد که واژه‌های متداول را نه منفرد، بلکه در بافت‌های مختلف در نظر بگیریم. برای مثال، کاربرد معنایی واژه "جمعیت" در عبارت «رشد جمعیت» و «جمعیت خاطر» و واژه "اعتبار" در دو عبارت «گشایش اعتبار» و «اعتبار رئیس جمهور» با یکدیگر متفاوت است. توجه داشته باشید که نوگزینی فقط به فرایند زبان عالمانه و دانشگاهی اختصاص ندارد، حتی مردم عادی هم برحسب نیاز از آن استفاده می‌کنند مثل تعمیرکاران خودرو که از واژه‌های "گوشواره"، "نعلبکی" و "پستانک" در حرفه خود معانی تازه و غریبی خلق می‌کنند و از آنها به عنوان قطعه‌های فلزی درون اتومبیل نام می‌برند.

۳- اصطلاح‌سازی: که از طریق یکی از روش‌های واژه‌سازی جدید، ساختن گروه نحوی و اختصار-سازی انجام می‌گیرد.

۳-۱- واژه‌سازی: فرایندی است که به دستگاه صرف زبان مربوط می‌شود. در زبان فارسی واژه‌سازی به سه روش اشتقاق یا مرکب یا وندی مرکب صورت می‌گیرد. مانند: "صادقانه" که واژه‌سازی به شیوه اشتقاق از کلمه عربی صادق است، "مدادپاک‌کن" که واژه مرکب از ترکیب سه کلمه مداد/ پاک/ کن است، یا "دوکارده" که واژه وندی مرکب از دو کلمه معنی‌دار دو/ کارد + وندی ه است.

۳-۲- ساختن گروه نحوی: نحو، شامل قواعدی است که تعیین می‌کند واژه‌ها چگونه و با چه ترتیبی باید کنار هم قرار بگیرند و سازهایی بزرگتر از واژه (گروه و جمله) بسازند. گروه‌های نحوی زبان فارسی شامل سه دسته زیر هستند:

مضاف+ مضاف‌الیه: کشتی بخار، علامت خطر، گله گوسفند.

موصوف+ صفت: کشتی بزرگ، علامت قرمز، گله آرام.

گروه متمم‌دارهای اسمی: پردازش از دور، دوری از خطر، پرواز با دید.

باید توجه داشت که **نحو زیاترین دستگاه زبان** است و ساختن گروه نحوی پربسامدترین فرایندی است که اهل زبان برای بیان مفاهیم مورد نظر خود به کار می‌برند؛ از همین رو، بسیاری از اصطلاحات علمی در این گروه جای می‌گیرند مانند: تقطیر ناپیوسته، توان بزرگ‌نمایی، مسیر دوربرگردان.

دیگر اینکه، هر اصطلاح و برساختی را نمی‌توان به راحتی در این گروه به کار برد مثلاً نمی‌توان به جای "گیاه گلخانه‌ای" از گروه "گیاه خانه‌گل" استفاده کرد؛ بنابراین بهتر است از گروه نحوی در ساختن اصطلاحاتی استفاده کنیم که نیاز نباشد آنها را در فرایندهای اشتقاقی و ترکیبی دیگری به کار ببریم.

۳-۳- اختصارسازی: این روش عبارت است از به کاربردن صورت کوتاه شدهٔ یک واژه یا گروه نحوی. انواع مختلف و مهم آن عبارت است از:

اختصار تک حرفی: که معمولاً حرف اوّل یک کلمه به جای کلّ آن نوشته می‌شود مثل (ع) به جای علیه‌السلام، (ص) به جای صفحه یا به جای صلی‌الله علیه.

اختصار چند حرفی: این نوع اختصار از چند حرف که هر کدام از آنها جداگانه تلفظ می‌شود، ساخته می‌شود مثل: (ک.م.م) به جای گروه نحوی «کوچک‌ترین مضرب مشترک».

ترخیم: در این نوع اختصار دو یا چند حرف از آخر یا اوّل یا بخشی از آخر یک واژه یا عبارت حذف می‌شود مثل (نک) به جای «نگاه کنید به» یا (رض) به جای «رضوان‌الله تعالی علیه» و (ره) به جای (رحمة‌الله علیه).

فشرده‌سازی: در این نوع اختصار دو یا چند حرف از میان یک کلمه یا بخش‌هایی از میان یک عبارت یا جمله حذف می‌شود مثل: (الخ) به جای إلی آخر/ (قس) به جای مقایسه کنید.

نحت (آمیزه‌سازی): در این روش دو کلمه با هم ترکیب شده بخش‌هایی از هر دو حذف می‌شود و یک واژه جدید ساخته می‌شود، مانند: (نستعلیق) که در اصل ترکیبی از دو واژهٔ نسخ و تعلیق است. (توانیر) که ساخته شده از تولید و انتقال نیرو است. یا (پیکاژو) که ساخته شده از دو واژهٔ پیکان و پژو است.

سرواژه‌سازی: در این روش معمولاً حروف اوّل واژه‌های یک عبارت به هم می‌پیوندند و لفظی می‌سازند که به دلیل کاربرد فراوان از سوی گویندگان زبان، مشهور و شناخته می‌گردد مانند: (ناجا) که سرواژهٔ گروه نحوی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است. یا (ساصد) که سرواژهٔ سازمان صنایع دفاع است. یا (شاد) که سرواژهٔ گروه نحوی شبکهٔ آموزش دانش‌آموزی است.

در ساختن سرواژه گاهی صورتی معنی‌دار حاصل می‌شود مانند (هما) که سرواژهٔ هواپیمایی ملّی ایران است و با پرندۀ سعادت و خوشبختی که پرواز هم می‌کند در ارتباط معنی‌داری قرار می‌گیرد.

۴- **وام‌گیری:** اخذ یک واژه از زبان‌هایی غیر از زبان فارسی در متون فارسی با همان مفهومی که در زبان مبدأ کاربرد دارد. وام‌گیری معمولاً در علوم و واحدهای اندازه‌گیری و اسامی شیمیایی مواد کاربرد فراوان دارد. مانند پاسکال/ اَهم/ آمونیاک/ سدیم/ پتاسیم/ نیکل/ استامینوفن و ...
در زبان فارسی وام‌گیری از زبان عربی به دلیل دین مقدّس اسلام و قرآن مجید بیشتر از سایر زبان‌هاست.

پیروز و کامروا باشید. زهرا صابری‌نیا